

بررسی مختصات سازمانی و فعالیت های تشکیلاتی فرقه بهائیت در گفت وگو با دکتر حمیدرضا اسماعیلی

آنچه باید درباره سازمان سیاسی بهائیت بدانید

گروه سیاست/ در روزهای اخیر برخی جریان های رسانه ای معاند سعی کردند به تصویرسازی نادرست از اتفاقات مرتبط با بهائیان بپردازند. تصویرسازی هایی که با هدف تحریف واقعیت صورت می گیرد و محور اصلی آنهاغیر سیاسی نشان دادن تشکیلات بهائی است. برای اینکه بدانیم چرا بهائیت یک سازمان آن هم از نوع سیاسی است باید با ویژگی هاو مختصات این تشکیلات آشنا شویم. در این باره واقعیت هایی هست که هر ناظر و مخاطب بی طرفی براحتی می تواند بدانستن آنهاخودش قضاوت کند. به همین خاطر به سراغ دکتر حمیدرضا اسماعیلی رفقیم تا ابعاد این موضوع را بیشتر بررسی کنیم. وی نویسنده کتاب «سازمان سیاسی بهائیت» است که بتازگی از سوی مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی منتشر شده است. در این گفت و گو بخشی از ابعاد «سازمانی» بهائیت مورد بحث قرار گرفته و سپس به ماهیت «سیاسی» آن پرداخته می شود.

■ چرا باید بهائیت را یک تشکیلات دانست و چه عواملی سبب می شود تا کلمه «سازمان» را درباره آن به کار ببریم؟

بهائیت «سازمانی» با همه ابعاد آن از قبیل برنامه ریزی، نظم اداری، هدف و روابط معین در میان مجموعه ای از افراد است.

اول اینکه بهائیت دارای یک تشکیلات منظم اداری است که خود بهائیان به آن «نظم اداری» می گویند. در حقیقت نظم اداری یکی از مهم ترین ویژگی های بهائیت است که هر بهایی مکلف است از کودکی آن را بیاموزد و در برابر دستورات آن اطاعت پذیر باشد. این نظم اداری بیش از یکصد سال است که سابقه دارد. اول ساده تر بود اما به مرور زمان پیچیده تر و بزرگتر شد. در اینجا لازم است کمی درباره این نظم اداری صحبت کنم.

بهائیت دارای یک نمودار سازمانی است که رأس آن به تشکیلات موسوم به بیت العدل می رسد. بیت العدل در حقیقت شورای رهبری سازمان بهائیت است که اعضای آن ۹ نفر هستند.

بیت العدل بالاترین مقام تصمیم گیری است که شعبه های خود را در کشورهای مختلف از جمله ایران دایر کرده است. این نهاد با داشتن یک ساختمان مرکزی بزرگ و با دفتر و اداره های متعدد در حیفای اسراییل، به اداره بهائیت در کشورهای گوناگون می پردازد.

بیت العدل به طور مستقیم با بالاترین مرکز رهبری تشکیلات بهایی در کشورهای مختلف در ارتباط است و دستورهای خود را به آنها ابلاغ می کند. بهائیان به این مرکز بالادستی خود در هر کشور «محفل ملی» می گویند. این محفل هم شورایی ۹ نفره از بهائیان ارشد آن کشور است که به مدیریت محافل استان ها و شهرستان ها مشغول هستند. به عبارت دیگر، سازمان بهائیت متاسب با تقسیمات کشوری شده است. میزبان، البته به شرط داشتن جمعیت در آن شهر و استان، به ساختار خود شکل می دهد، اما طبق تعهدات سازمانی، همه محافل مرکزی یا به زبان بهائیان «محفل ملی» مکلفند تلاش کنند در تمام استان ها، شهرستان ها و شهرها، محفل استانی و شهرستانی و... تأسیس کنند.

دوم اینکه بهائیت مانند هر سازمان دیگری تقسیم کار کرده و دارای اداره های تخصصی است که به آنها «لجنه» می گوید که خود این لجنه ها از «هیأت ها» و «کمسیون ها»ی متعدد تشکیل شده اند. شاپور اسرخ، از مدیران بهایی، تصریح دارد که هر لجنه برای سازمان بهائیت همچون یک وزارتخانه عمل می کند و متناسب با نیازهای سازمان بهائیت سلسله کارهایی را در سراسر کشور انجام می دهد. لجنه ها در هر محفلی بنابر نیازها و جمعیت آن متفاوت و متنکر هستند. در حقیقت ساختار سازمانی بهائیت تا حد زیادی از الگوی سازمانی دولت و نهادهایی چون شهرداری تقلید کرده است. «محفل ملی» که در پایتخت قرار دارد حکم هیأت دولت را دارد. لجنه های وابسته به محفل ملی حکم وزارتخانه ها را دارند که مطابق سیاست های محفل ملی، هماهنگ کننده لجنه های استان ها و شهرستان ها هستند و خود محافل استانی هم حکم استانداری را دارند و بدین ترتیب محافل شهرستانی به اعتبار منطقه ای که در آن هستند در حکم بخشداری و دهداری عمل می کنند. محافل استانی، هم تابع محفل ملی هستند و هم مشرف بر لجنه های استانی. از طرف دیگر لجنه های استانی هم در هماهنگی با دستورهای لجنه های مرکز و تحت نظر محفل استانی عمل می کنند. اگر بخوایم اسامی تعدادی از این لجنه – اداره ها را بشمارم که اسم شان هم با کارکردشان تا حدی انطباق دارد از این قرار هستند: لجنه مهاجرت داخله، مهاجرت خارجه، احصاییه (آمار و سرشماری)، صیانت (حراست و حفاظت)، تربیت

امری، مدارس تاییستانه، نشر نفحات (تبلیغ)، امام الرحمن (زنان)، جوانان، مطبوعات، کتابخانه، تصویب آثار امری، ترجمه، سمعی و بصری، تبلیغ اقلیت های مذهبی، تبلیغ اعظم (نخبگان و مقامات، اماکن امری (موقوفات)، گلستان جویبد (امور دفن و کفن)، ازدواج، ارتباط با مقامات مملکتی، و ارتباط شرق و غرب.

البته تأسیس همه لجنه ها در همه مناطق ضرورت ندارد. سازمان بهائیت مانند بسیاری از سازمان های دیگر، متناسب با شرایط درونی و بیرونی سازمان، در طول زمان به برخی دگرگونی ها و تغییرهای اداری دست زده است. نمونه

این تغییرها، ادغام لجنه ها یا تأسیس بزرگتر شد. در اینجا لازم است کمی درباره این نظم اداری صحبت کنم. تشکیلات بهائیت ایران، سالانه گزارش فعالیت این اداره ها را در چند نوبت به رهبری سازمان در اسرائیل ارسال می کند تا میزان موفقیت شان در تحقق برنامه های سازمان مورد ارزیابی قرار گیرد.

سوم، توجه به بخش های مختلف اداری سازمان بهائیت و نیز ابعاد سیاسی اش نشان می دهد که سازمان بهائیت در دوران گذشته «دولتی در دولت» بوده و با تقلید از الگوی دولت خیلی از بخش های حکومت مانند هیأت حاکم، قانون اساسی، قوانین عادی، تشکیلات اداری، دستگاه قضایی، سیستم بانکی، نهاد قانونگذاری و ایدئولوژی را برای خودش تدارک دیده بود. برای مثال «لجنه احصاییه» را می توان با «سازمان ثبت احوال» مقایسه کرد. سازمان بهائیت نه تنها اداره ثبت و احوال راه انداخته بود بلکه شیوه انجام کار در آن اداره و حتی نحوه بایگانی را هم توضیح می داد. یا شرکت نونهالن به مثابه بانک عمل می کرد. «لجنه صیانت» هم با اهداف حفاظتی طراحی شده است تا به مراقبت از اعضا بپردازد. از وظایف دیگر این بخش تحقیق درباره افرادی است که تصمیم دارند به بهائیت بپیوندند. در واقع اعضای عادی تشکیلات با تبلیغ در و شناسایی افراد، نام و مشخصات آنها را به بخش های مربوط سازمان می دهند تا درباره آنها تحقیق و استعلام شود. این حفاظت ها برای جلوگیری از نفوذ نیروهای رقیب و مخالف به تشکیلات بهائیت انجام می شود.

■ نقش خانواده های بهایی در کجای تشکیلات بهایی است؟ سؤال بسیار مهمی را مطرح کردید. سازمان بودن بهائیت فقط در «نظم اداری» بیت العدل خلاصه نمی شود. درست است که این نهاد با داشتن هزاران کارمند در بخش های مختلف اداری حیفاً و محافل ملی و اداره های بهایی یک ساختار اداری درست کرده است، اما این بعد کلاسیک سازمانی بهائیت است. سازمان بهائیت از ابعاد جدیدتری از سازماندهی نیروهای خود برخوردار است که در حقیقت با مدیریت کلان سازمانی خانواده های بهایی به وجود آمده است. رهبران بهایی سازمان این سازمان را طوری طراحی کرده اند تا هر «خانواده» بهایی جزئی از این سازمان باشد. با این موضوع حتی به صورت مستند در ابلاغیه های رهبران سازمان هم آمده واز خانواده های بهایی به عنوان کوچک ترین «واحد» تشکیلات امری یاد شده است. با این طراحی، هر خانواده بهایی در حکم کوچک ترین و ساده ترین بخش سازمان بهائیت ایفای نقش می کند. بنابراین، سازمان بهائیت به جز تشکیلات اداری از تعداد زیادی واحد ساده است. با این خانواده بهایی» تشکیل شده است که پیرامون ستون فقرات اداری بهائیت با همدیگر «سازمان بهائیت» را تشکیل می دهند. به عبارت دیگر، سازمان بهائیت از دو بخش کلی تشکیل شده است: ۱. ساختار اداری و سلسله مراتب

سازمانی که رأس آن شورای رهبری بیت العدل است، ۲. واحدهای کوچک و بزرگ که همان «خانواده» ها هستند. اگر سازمان بهائیت را به شکل هرم تصور کنیم، رأس آن تشکیلات بیت العدل است و در قاعده، میزان قابل توجهی واحدهای کوچک سازمانی به نام «خانواده بهایی» قرار دارند.

«خانواده های بهایی»، هم دستورهای خود را از مرکز مدیریت می گیرند و هم فعالیت های خود را به آن گزارش می کنند. آنها به این دلیل که پراکنده هستند و به شکل خانواده زیست می کنند، کمتر مورد حساسیت قرار می گیرند. سازمان بهائیت از بدو پیدایش، از این بُعد سازمانی خود که پنهان مانده استفاده های فراوانی برده است. این واحدهای کوچک سازمانی که از روستاها تا شهرها پراکنده هستند، مطابق دستورهای اداری تشکیلات بهائیت فعالیت دارند و گزارش فعالیت های خود

تأثیرگذاری بر افراد نباید قضاوت کنند، باید همه را تبلیغ کنند، ۴. باید همانطور که آموخته اند عمل کنند، تفسیر به رای نکنند و جزئیات را با دقت به کار برند، ۵. در راه تبلیغ حوصله کرده و استقامت به خرج دهند، ۶. در برابر موانع اجتماعی و سرزنش ها بی اعتنا باشند و در این مسیر نهراسند، ۷. نه از جذب افراد جدید خوشحال شوند و نه از بازگشت اعضای قدیمی ناراحت شوند، ۸. به کیفیت روش های تبلیغ و ارتقای آن بیندیشند و آن را به گوش ارباب محفل برسانند، ۹. جمله های رهبران بهایی را حفظ کنند تا در گفت وگوهای تبلیغی خود به کار گیرند، ۱۰. برای رعایت حفاظت گفتار به موقع و به اندازه سخن بگویند.

در جزوه ضیافت ۱۹ روزه آمده است: امروز ما بهائیان در سراسر دنیا در ظل «تشکیلات منظم و متحدالشکل محلی و ملی و بین المللی» قرار داریم. ضیافت ۱۹ روزه «اساس و پایه تشکیلات و مؤسسات محلی و ملی و بین المللی» است. همچنین این جلسه «بهترین وسیله ارتباط تشکیلات و دوایر امریه با قاطبه احبا»، یعنی توده بهایی است. از این جهت تقویت و نظم بخشیدن به آن «اسبب است که در برنامه های کوتاه مدت و میان مدت موسوم به «نقشه» به بهائیان ابلاغ می شود. در هر «رتبه و مقامی» است مرتب در آن شرکت کند.

است که لازم است بهائیان فلان شهر حتی در مجلس ختمی که برقرار بوده شرکت کنند. بر اساس سلسله مراتب سازمانی، همچنین محفل مرکزی نیز به نمایندگی از بیت العدل، در همه جزئیات سازمانی و شخصی بهائیان صاحب امر و نظر محسوب می شود. در واقع اینکه تعداد محافل یک شهر چه تعداد باشد و شیوه سازماندهی محفل در آنجا چگونه باشد اولاً با بیت العدل و ثانیاً با محفل مرکزی است که در برنامه های کوتاه مدت و میان مدت موسوم به «نقشه» به بهائیان ابلاغ می شود. در هر «رتبه و مقامی» است مرتب در آن شرکت کند. مطابق برنامه (پروگرام) تعیین شده سازمان، نشست ضیافت های ۱۹ روزه از سه قسمت تشکیل شده اند: در قسمت اول، که به «قسمت روحانی» معروف است، بهائیان به «تلاوت مناجات و الواح و آیات مبارکه» امر شده اند. قسمت سوم اعضا با یکدیگر است که با «تلاوت مناجات» خاتمه می یابد. اما قسمت دوم رسمی ترین بخش جلسه ها است که به خواندن و شنیدن «اخبار، بشارات، ابلاغات، اعلانات، ارائه پیشنهادها و شور» اختصاص دارد. این اخبار از کانال ها و نشریات رسمی بهایی اخذ می شود. از گذشته، زمان این قسمت که از لحاظ اداری برای سازمان اهمیت داشت یک ساعت تعیین شده بود. ترتیب خواندن اخبار هم به قرار زیر بود: بین المللی، ملی و محلی. به عبارت دیگر ریاست جلسه

موظف است اخبار خوبی از پیشرفت بهائیت به گوش حضار برساند.

■ بیت العدل تا کجا در امور بهائیان یک کشور مداخله می کند؟

ممکن است تصور شود که بهائیت با داشتن یک دستگاه عریض و طویل سازمانی تنها در امور کلی سازمانی راهبری می کند و در جزئیات سازمانی مداخله ای ندارد، اما رصد این سازمان در تمام ادوار گذشته نشان می دهد برخلاف انتظار، شورای رهبری سازمان بهائیت که در اسرائیل قرار دارد، نه تنها در جزئیات سازمانی بلکه در امور شخصی و جزئی اعضا از قبیل امور آموزشی، اقامت، ازدواج و طلاق نیز مداخله دارد. این مداخلات گاهی با دستورات سازمانی و به صورت مصوبات کلی صورت می گیرد و گاهی موردی و شخصی است. در اسنادی دیده ام که بیت العدل حتی آمرانه دستور داده

ماهیت هر سازمانی را هدف آن تعیین می کند؛ با توجه به آنچه که ما از بهائیت از ابتدا تا امروز سراغ داریم، کسب قدرت، نفوذ در حکومت و حتی در افاق خیال پردازانه کسب حکومت مهمترین هدف سازمان بهائیت را تشکیل می دهد. درست است که بهائیت پدیده ای با ابعاد مختلف، حتی اقتصادی است که در پوشش دینی فعالیت دارد، اما با توجه به هدف قدرت و حکومت، هیچ مفهومی به خوبی «سازمان سیاسی» نمی تواند واقعیت و ماهیت بهائیت را بیان کند. همه ابعاد بهائیت ذیل سایه بزرگ «سیاست» قرار دارند. وقتی پای سیاست در سازمانی به میان می آید همه اهداف دیگر پیش آن رنگ می بازد و ابزاری برای آن می شود. سیاست بر صدر ارزش های دیگر می نشیند و در ذیل آن ها قرار نمی گیرد. چپستی و اصل بهائیت در کارکرد سیاسی آن است و همگی در خدمت آن هدف نهایی قرار دارند

است که لازم است بهائیان فلان شهر حتی در مجلس ختمی که برقرار بوده شرکت کنند. بر اساس سلسله مراتب سازمانی، همچنین محفل مرکزی نیز به نمایندگی از بیت العدل، در همه جزئیات سازمانی و شخصی بهائیان صاحب امر و نظر محسوب می شود. در واقع اینکه تعداد محافل یک شهر چه تعداد باشد و شیوه سازماندهی محفل در آنجا چگونه باشد اولاً با بیت العدل و ثانیاً با محفل مرکزی است که در برنامه های کوتاه مدت و میان مدت موسوم به «نقشه» به بهائیان ابلاغ می شود. در هر «رتبه و مقامی» است مرتب در آن شرکت کند.

است که لازم است بهائیان فلان شهر حتی در مجلس ختمی که برقرار بوده شرکت کنند. بر اساس سلسله مراتب سازمانی، همچنین محفل مرکزی نیز به نمایندگی از بیت العدل، در همه جزئیات سازمانی و شخصی بهائیان صاحب امر و نظر محسوب می شود. در واقع اینکه تعداد محافل یک شهر چه تعداد باشد و شیوه سازماندهی محفل در آنجا چگونه باشد اولاً با بیت العدل و ثانیاً با محفل مرکزی است که در برنامه های کوتاه مدت و میان مدت موسوم به «نقشه» به بهائیان ابلاغ می شود. در هر «رتبه و مقامی» است مرتب در آن شرکت کند.

است که لازم است بهائیان فلان شهر حتی در مجلس ختمی که برقرار بوده شرکت کنند. بر اساس سلسله مراتب سازمانی، همچنین محفل مرکزی نیز به نمایندگی از بیت العدل، در همه جزئیات سازمانی و شخصی بهائیان صاحب امر و نظر محسوب می شود. در واقع اینکه تعداد محافل یک شهر چه تعداد باشد و شیوه سازماندهی محفل در آنجا چگونه باشد اولاً با بیت العدل و ثانیاً با محفل مرکزی است که در برنامه های کوتاه مدت و میان مدت موسوم به «نقشه» به بهائیان ابلاغ می شود. در هر «رتبه و مقامی» است مرتب در آن شرکت کند.

ارسال خصوصی بهائیان، و نه پست، انجام می شد و اکنون بیشتر در بستر وب صورت می گیرد.

■ بهائیت چه نوع سازمانی است؟

به این پرسش از ابعاد مختلف می توان پاسخ داد، اما از یک منظر کلی می توان گفت که بهائیت یک گروه فشار و به تعبیر دیگر سازمان سیاسی ذی نفوذ و اقتدارگراست.

■ باتوجه به اینکه این تشکیلات ادعای دینی بودن دارد و در همه جا خود را دینی جدید معرفی می کند، بهائیت چه ویژگی هایی دارد، که شما آن را جزو «سازمان های سیاسی» به شمار آورده اید؟ البته شما به درستی به ابعاد سازمانی بهائیت اشاره کردید، اما چرا نمی گوید «سازمان دینی» و می گوید «سازمان سیاسی»؟

قبل از پاسخ به پرسش شما باید به یک مقدمه اشاره کنم. اول اینکه ادیان در فرهنگ علوم اجتماعی و به لحاظ مفهومی «سازمان» نیستند، بلکه ذیل مفهوم «نهاد» قرار می گیرند.

در علم جامعه شناسی «نهاد» معنایی فرهنگی و غیرمادی و مشابه معنای سنت دارد که شامل قواعد، هنجارها، ارزش ها و الگوهای رفتاری است. با این تعبیر، خانواده، حکومت، اقتصاد و دین از مهم ترین نهادهای تاریخی بشر هستند. در اینجا از هر نهاد می تواند سازمان های متعددی ظهور پیدا کند، لذا وقتی از نهاد دین که شامل ادیانی چون مسیحیت و اسلام است سخن گفته می شود، در حقیقت سخن از یک ساختار و فرهنگ است و اجتماعی است که می تواند از بستر آن انواع تشکیلات و سازمان ها سربرآورد. البته گاهی در زبان محاوره ای نهاد را معادل سازمان هم به کار می برند که خوب این کاربرد از معنای اصلی آن متفاوت است. با این توضیح معلوم است که اولاً بهائیت نه یک «نهاد» که یک «سازمان» تمرکزگرا و ساترالیستی است که همه بهائیان واعضا حامد یا ذیل آن سازمان تعریف شوند و اساساً بهایی خارج از سازمان معنای واقعی ندارد و او را به رسمیت نمی شناسند. بیت العدل تصریح دارد بهایی فردی است که آنها به رسمیت بشناسند. این موضوع در ادیان واقعی وجود ندارد. مسلمانان فراوانی وجود دارند که با هیچ یک از تشکیلات مذهبی در ارتباط نیستند ولی خود را بیش از دیگران داعیه دار می دانند. مثلاً شیعیانی که در برگزاری مراسم آیینی و اعتقادات شیعی پنهان روش وابسته بزرگ ذی نفوذ» است. ایدئولوژی بهائیت خارج از ایدئولوژی های مرسوم حزبی و در قالب ادبیات به ظاهر دینی ساخته و پرداخته شده است، اما اگر مانند موربیس دوروزه گروه های مسلکی (ایدئولوژیک) را جزو احزاب سیاسی به شمار آوریم، تشکیلات بهائیت را می توان یک «حزب سیاسی» نامید.

سازمان سیاسی بهائیت از گذشته به مثابه یک سازمان ذی نفوذ سعی داشته در ارکان قدرت نفوذ کند. در حکومت گذشته، رسمیت یافتن مهم ترین گامی بود که به سازمان بهائیت یاری می رساند تا رسماً و به طور قانونی برای تصاحب حکومت اقدام کند. البته از روزهی که به آن نرسید. در واقع یکی از علل تبدیل شدن بهائیت به سازمان سیاسی ذی نفوذ رسمی شدن داشتن آن بود. البته بهائیت چون در قالب دین فعالیت می کرد و ایدئولوژی خود برای کسب قدرت را در پوشش دین قرار داده بود، نمی توانست رسماً به حزب تبدیل شود. همچنین بهائیت در دور دست های مطلوب خود به ساختارهای فراتر از پهلوی و به حکومت بهائیت می اندیشید. در حالی که احزاب ذیل ساختار سیاسی موجود فعالیت می کنند.

■ اینکه بهائیت یک سازمان سیاسی است آیا یافته جدیدی است یا در گذشته نیز وجود داشته است؟

این هم پرسش خوبی است. واقعیت این است که توجه به ابعاد تشکیلاتی و سیاسی بهائیت در گذشته و حتی در میان کارگزاران حکومت پهلوی و حتی مدیران و رؤسای ساواک نیز مشاهده می شود. آنها نیز نه تنها در گزارش های خود به بهائیت به عنوان یک «حزب سیاسی» یاد کرده اند، بلکه در فعالیت هایی که به منظور رصد بهائیت انجام داده اند بر ابعاد تشکیلاتی و سیاسی آن متمرکز بوده اند. در بهائیت «سازمان سیاسی بهائیت» تعداد قابل توجهی از این اسناد را آورده ام.

رهبران بهائیت هم هر دو مؤلفه «سازمان» و «سیاسی» بودن را پذیرفته و همواره بر اهداف سیاسی و کسب قدرت تأکید داشته اند و حتی شوقی، رهبر سوم بهائیان، به صراحت از کسب حکومت در ایران سخن گفته است. با وجود این قابل درک است که بهائیان که «سازمان بهائیت» را یک سازمان دینی و مذهبی معرفی کرده اند، در مواردی نیز مخصوصاً در فضای تبلیغی عمومی، خود را تشکیلاتی غیرسیاسی معرفی کنند. در حالی که مطابق شواهد فراوان، چهره دینی این سازمان پوششی برای اهداف سیاسی است. اگر سیاست را روش های کسب، حفظ و بسط قدرت بدانیم و اجزا و منابع قدرت را شامل قدرت اقتصادی، نظامی، اطلاعاتی، ایدئولوژیک، رسانه، اداری و سازماندهی نیرو بدانیم، در این صورت بهائیت به یقین سازمانی سیاسی بوده که در ادوار مختلف برنامه های متفاوتی را برای رسیدن به اهداف خود متناسب با سه متغیر شرایط درون سازمانی، شرایط سیاسی کشور و اوضاع بین المللی به اجرا گذاشته است.

همین که رهبران بهائیت بر جنبه «سازمانی» بهائیت تأکید دارند به اندازه کافی تعیین کننده است. میان دین و بوروکراسی سازمانی چه سختی وجود دارد که بهائیت با نام دین، استقرار و دوام خود را بر آن استوار کرده است؟ واز سازماندهی نیروهای خود در پی چیست؟ سازماندهی نیروها از مهم ترین اقدام های ضروری در قدرت است. باور به این اصل سیاسی را می توان مهم ترین علت اقبال بهائیت به تشکیلات و سازماندهی نیروها دانست.

■ چرا می گوید «سازمان سیاسی»؛ چرا «حزب» نمی گوید؟

«سازمان سیاسی» اقسام مختلفی دارد. ابتدا آنها را به دولتی و غیردولتی و سپس سازمان های سیاسی غیردولتی را به حزب و سازمان های سیاسی ذی نفوذ تقسیم بندی می کنند. «حزب» چون رسماً هدف خود را قدرت اعلام می کند و از ابزارهای رسمی مانند شرکت علنی در انتخابات بهره می برد تفاوت روشنی با سازمان های سیاسی ذی نفوذ دارد. سازمان های سیاسی ذی نفوذ از ابزارهای قدرت متفاوتی استفاده می کنند؛ از قدرت نظامی – اطلاعاتی تا قدرت اقتصادی و ایدئولوژیک. با این توصیف، سازمان بهائیت یک «سازمان سیاسی غیردولتی، مصلح مستند، اما لزوماً با مساجد و روحانیت در ارتباط نیستند.

ادیان بزرگی چون اسلام و مسیحیت «نهاد» هایی جاری در تاریخ فرهنگ بشری هستند که سازمان ها، اداره بی شماری از بستر آنها سربر آورده اند. این ادیان در دست یک نظم اداری نبوده و نیست. سازمان های برآمده از این ادیان در تحول «نهاد» نقش دارند، ولی وجود آن نهادها درگرو وجود آن سازمان ها نیست، اما بهائیت سازمانی وابسته به نظم اداری «بیت العدل» و شعبه های آن موسوم به «محفل ملی» و «محفل محلی» است. نبودن سازمان و ساختار تشکیلاتی به محو شدن بهائیت خواهد انجامید. بهائیت حیات مستقلی از تشکیلات و سازمان خود ندارد و از این جهت نمی تواند یک نهاد دینی محسوب شود. اینجا خود سازمان «محفل ملی» (ایدئولوژی بهائیت) را حفظ می کند؛ و معتقدان به آن ایدئولوژی را با نام «مؤمنان بهایی» هویت و نظم می بخشد، و به عنوان «بهایی» رسمیت می دهد. بعد از این مقدمه باید گفته شود که ماهیت هر سازمانی را هدف آن تعیین می کند. بنابراین با توجه به آنچه که ما از بهائیت از ابتدا تا امروز سراغ داریم، کسب قدرت، نفوذ در حکومت و حتی در افاق خیال پردازانه کسب حکومت مهمترین هدف سازمان بهائیت را تشکیل می دهد. همچنین ماهیت بهائیت را بیان کند. همه ابعاد بهائیت ذیل سایه بزرگ «سیاست» قرار دارند. وقتی پای سیاست در سازمانی به میان می آید همه اهداف دیگر پیش آن رنگ می بازد و ابزاری برای آن می شود.

■ اینکه بهائیت یک سازمان سیاسی است آیا یافته جدیدی است یا در گذشته نیز وجود داشته است؟

این هم پرسش خوبی است. واقعیت این است که توجه به ابعاد تشکیلاتی و سیاسی بهائیت در گذشته و حتی در میان کارگزاران حکومت پهلوی و حتی مدیران و رؤسای ساواک نیز مشاهده می شود. آنها نیز نه تنها در گزارش های خود به بهائیت به عنوان یک «حزب سیاسی» یاد کرده اند، بلکه در فعالیت هایی که به منظور رصد بهائیت انجام داده اند بر ابعاد تشکیلاتی و سیاسی آن متمرکز بوده اند. در بهائیت «سازمان سیاسی بهائیت» تعداد قابل توجهی از این اسناد را آورده ام.